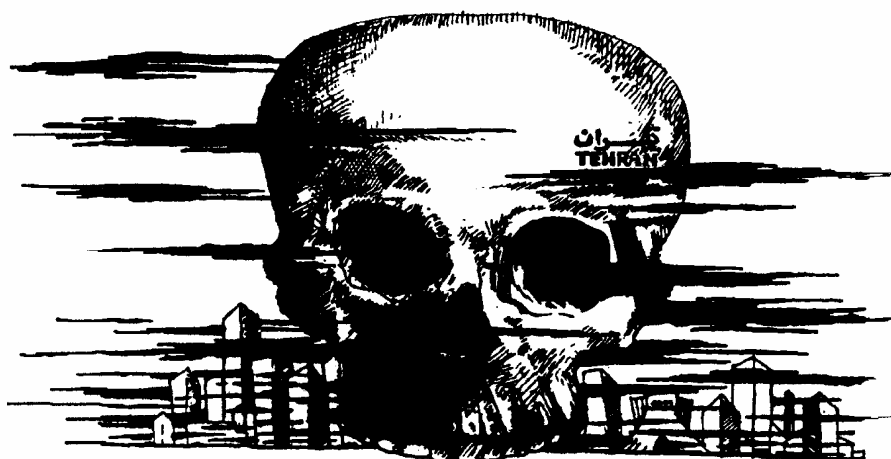


آیا توان حل مشکلات خود را داریم؟



یا برنامه‌های اعلام شده به اجرا در نیامده‌اند، با این نتیجه که وضعیت نه تنها ثابت نمانده بلکه روبه وخامت نیز گزارد شده است. به همین دلیل، امروز چندین میلیون نفر از فرزندان این کشور، یعنی امیدهای آینده مملکت تحت شرایط بسیار نامساعدی زندگی و رشد می‌کنند.

مسئله آلودگی هوا و خطرات ناشی آن از دیرباز هرچند صبحی مطرح شده و تصمیماتی قاطع جهت مبارزه با آن اعلام گردیده است، لیکن مقایسه میزان آلودگی هوای تهران با ۱۵ سال پیش یا حتی با ۵ سال پیش قطعاً نشان دهنده این امر است که این مهم یا جدی گرفته نشده است و

رشد بی‌رویه جمعیت در شهر، برج-سازهای بی‌اصول و بی‌حساب و کتاب در کوچه پس‌کوچه‌های تهران بزرگ، مصرف بی‌رویه بنزین، مسافرت‌های درون شهری، نبودن نظم در رانندگی و بی‌توجهی نسبت به آن، خرابی و غیراستاندارد بودن بسیاری از وسایل حمل و نقل موجود در شهر، عوامل جوی، محیطی و ... بالاخره هریک به نحوی در تشدید این آلودگی نقش داشته‌اند.

در مورد سرب و گازهای سمی موجود در دود این وسایل، قبلاً مقالاتی به رشته تحریر درآمده، و قطعاً لازم است که متخصصین محیط زیست و همین‌طور متخصصین سم‌شناسی کشور به این مهم توجه کرده و به طور جدی در این زمینه فعالیت نمایند. همچنین باید مردم و مسؤولان محترم از خطرات مهلک ناشی از این مواد آگاه گردند.

بطور خلاصه آنچه واضح و به اثبات رسیده، این است که این نوع آلودگی زیست محیطی نه تنها برای کودکان، نوجوانان، سالمندان و خانم‌های باردار، بلکه برای هر انسانی در هر سنی خطراتی جدی را به دنبال دارد. ابتلاء به بیماری‌های تنفسی نظیر برونشیت و آسم، کاهش توان و ضریب هوشی کودکان، زمینه ایجاد و تشدید بیماری‌های قلبی - عروقی، بیماری‌های بدخیمی، بیماری‌های عصبی و ... از اثرات این آلودگی زیست محیطی است.

امروزه به خوبی مشخص گردیده که مثلاً سرب موجود در محیط که از راه‌های گوناگون وارد بدن می‌شود، عاملی مهم در بروز بیماری‌های عصبی نظیر تحریک‌پذیری،

بی‌قراری، اضطراب، استرس، بی‌اشتهایی و ... می‌باشد. بنابراین آلودگی هوا نه تنها امکان زیست طبیعی را از انسان سلب می‌کند و ما را در شرایطی غیر طبیعی قرار می‌دهد، بلکه از طرف دیگر به علت بروز بیماری‌های فوق‌الذکر، هزینه‌های درمانی خاصی را نیز بر خانواده‌ها و سیستم درمانی کشور تحمیل می‌کند.

نتیجه آنکه بجای داشتن جمعیتی سالم، قوی، با ابتکار، با حوصله و شاداب، جمعیتی عصبی، ضعیف، افسرده و بی‌حوصله را در زیر چتر این دود پرورش خواهیم داد.

پس برداشتن قدم‌هایی جدی برای رفع این مشکل عظیم اجتماعی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و فقط از طریق پی‌بردن به اهمیت این معضل و برنامه‌ریزی و جدیت در اجرا، می‌توان حداقل تا حدودی از شدت آن کاست. درحالی‌که کارشناسی، طراحی و اجرای برنامه‌های لازم قطعاً امری است که فقط از عهده مسئولین محترم بر می‌آید، لیکن بدون شرکت عام و خاص و همفکری و همیاری همه مردم شهر، امکان رسیدن به آن قدری مشکل می‌باشد.

در این راستا برخی از اقداماتی که انجام آنها می‌تواند کمکی موثر در جهت رفع این مشکل باشد به شرح زیر خواهد بود:

۱- مطالعه عوارض ناشی از آلودگی هوا توسط متخصصین دانشگاهی و کارشناسان محیط زیست.

۲- دادن آگاهی مستمر به مسؤولان و مردم از طریق نوشتن مقالات در مجلات و روزنامه‌ها، ارائه گزارشات مربوطه، ارائه سخنرانی، پخش برنامه‌های کوتاه مدت و لی پیگیر در رادیو و

تلویزیون، آموزش در سطوح دبیرستان و دانشگاه و حتی محیط کار نظیر کارخانه و غیره.

۳- جلوگیری از رشد بیشتر تهران بزرگ (!) و کنترل جمعیت شهری.

۴- گسترش سرویس اتوبوسرانی و اصولاً حمل و نقل عمومی.

۵- تعجیل در تکمیل و راه اندازی مترو.

۶- تبدیل سوبسید بنزین از شخصی (اتوموبیل) به وسایل نقلیه عمومی (اتوبوس) یعنی حذف سوبسید بنزین و اختصاص درآمد ناشی از این امر به تکمیل مترو، خرید اتوبوسهای جدید، پرداخت سوبسید برای بلیط اتوبوس، راه اندازی سرویس اتوبوسرانی به تمامی نقاط شهر، گازسوز کردن اتوبوسها، مینی بوسها و تاکسی ها.

۷- بازنگری یا نگرشی جدی در وضعیت اسفناک امروز ترافیک تهران که بخشی به علت کمبود جاده، بخشی به علت نبودن پارکینگ های بزرگ عمومی، بخشی به علت بالا بودن بیش از حد اتوموبیل شخصی در سطح شهر و بخش مهم دیگری بی شک عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی و نبودن برخورد جدی با متخلفین می باشد.

۸- آموزش عمومی درست رانندگی کردن و گوشزد نمودن مکرر تخلفات از طریق صدا و به خصوص سیما.

۹- گسترش چشمگیر حضور پرسنل متخصص راهنمایی و رانندگی در سطح شهر جهت مقابله جدی با تخلفات.

۱۰- تشویق مردم به کمتر استفاده کردن از اتوموبیل های شخصی و بجای آن استفاده از

اتوبوس، همینطور گوشزد نمودن این مهم که پیاده روی نه تنها بد نیست، بلکه خود نوعی ورزش ساده و مفید است.

۱۱- احداث پارکینگ های عمومی در سطح شهر به خصوص نواحی پر رفت و آمد.

۱۲- گسترش طرح ترافیک به نقاط بیشتری از شهر.

۱۳- تعویض یا تعمیر سرویسهای بسیار دودزای سازمانهای دولتی.

۱۴- جریمه مناسب و کارساز وسایل نقلیه دودزا (اتوموبیل، موتورسیکلت و مینی بوس).

۱۵- برنامه ریزی درازمدت جهت کاهش نیاز به مسافرتها درون شهری.

۱۶- برنامه ریزی هر چه سریع تر جهت انتقال کارخانه ها به خارج از شهر.

در کنار موارد فوق الذکر که قطعاً اجرای هر یک تأثیری به سزا در کاهش آلودگی خواهند داشت، احداث هرچه بیشتر پارک در درون شهر و درخت کاری نیز نقشی مهم در کاهش آلودگی دارد.

در خاتمه باید مجدداً متذکر شد که قدم اول در راه این معضل بزرگ تهران بزرگ، شناخت دقیق مسئله و آگاه نمودن مردم به آن است که در این راه پزشکان، دانشگاهیان و صدا و سیما جمهوری اسلامی نقشی اساسی و کلیدی خواهند داشت. موفقیت در این مبارزه، مستلزم شناخت، آگاهی، برنامه ریزی، جدیت در اجرا، و بالاخره همدلی و همفکری مسئولان و مردم می باشد و با یاری خدا باید نشان دهیم که توان حل کردن مشکلات خود را داریم.

دکتر محمد حسینی